

فکتو با فریبرز لاجینی

زندگی با کامپیوتر

به نوعی فرهنگ موسیقی می‌تواند درک و معنی را به کودک آموزش دهد

۲۱ ساله بوم که به عنوان آهنگساز، کار حرفه‌ای خود را آغاز کردم. مجموعه «فصل‌ها و رنگ‌ها» از جمله کارهای ابتدایی من به شمار می‌رود. پس از مدتی در سوئیس، فرانسه و اسپانیا به تحقیقاتی در موسیقی نوین جهان پرداختم و در سال ۶۱ به عضویت انجمن آهنگسازان «جهان» در آمدم و هم زمان برای همکاری در تلویزیون فرانسه دعوت به کار شده و همانجا فارغ‌التحصیل شدم. تاکنون موسیقی فیلم‌های «نارونی» - «درد پای گرگ» - «آواز کران» - «دگر به آوازخوان» - «مدان مار» - «دال مثل توتوله» - «دنیخ آفتاب» - «تعیب سلاهی» - «سایه خیال» - «مردی در آینه» و در زمینه‌های دیگر، «پاییز طلایی» - «دکتوازی پیانو» - «مجموعه ترانه‌های کودکان» - «مجموعه از بهار تا بهار» - «موسیقی نوار ایبات کنه‌ای» - «شاعر سهراب سپهری» - «موسیقی نوار «در سبک سرد زمستانی» - «اشعار نیما» «آوازه‌های خورشیده» - «مجموعه ترانه‌های بومی» - «سختی با صدای محمود سوزی» - «مجموعه پرواز با همکاری منوچهر بیگلری» - «پاییز طلایی (۲)» «دکتوازی پیانو» - «موسیقی فیلم ۷۷ و لولو» - «تصنیف دو مجموعه» برای کودکان موسوم به «آواز فصل‌ها و رنگها و آوازهای دیگر را ساخته‌اند.

از: فریبرز قاسمی

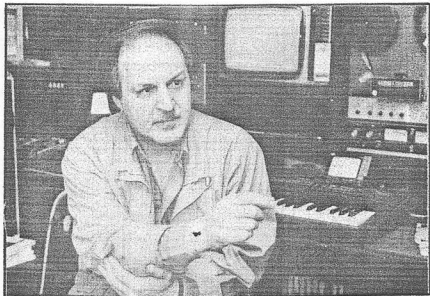
این شرح زندگی مختصری است از فریبرز لاجینی آهنگساز پرکار ایرانی که خود می‌تواند انگیزه‌ای برای گفت‌وگو باشد. متن که در پی می‌آید بخشی از گفت و شنود طولانی سرویس هنری فانوس با فریبرز لاجینی است:

● با توجه به اینکه شما در رشته موسیقی کامپیوتری چندین سال در خارج از کشور از جمله فرانسه تحصیل کرده‌اید و با سیستم‌های پیچیده کامپیوتری هنر آشنا شده‌اید. به نظرتان آیا کامپیوتر می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در موسیقی بدست آورد؟

حضور گسترده کامپیوتر در سینما را می‌توان با ظهور تکنیک‌های سینمایی علمی-تخیلی شاهد بود و سینمای انیمیشن و کارتون هم در از حضور تکنیک‌های ساز کامپیوتر نیست. تحولی خیره‌کننده که در سینمای علمی، تخیلی دمه هشتاد تا نود، روی داده است. ممکن نبود مگر با صنعت پیشتر کامپیوتر. در دهه‌های اخیر، و تجربه‌های من به عنوان سازنده موسیقی فیلم، گواه این مدعا است. اگر بپذیریم که موسیقی مجموعه‌ای از احساس‌ها و عواطف انسانی است در آن صورت این صدا می‌تواند از من یک جهان بربخیزد یا از پیچیده‌ترین مکانیک ماشینی امروز یعنی «کامپیوتر» کامپیوتر صدای خیالی را می‌دهد، صدای اوهام و صدای کابوس که هیچ سازی قابلیت ساختن آنها را ندارد.

● آیا حضور کامپیوتر با سیستم‌های الکترونیکی، گساری است انگشتان هنرمندان را به مخاطره نرخواهد انداخت و این به منزله پستیایی بر موسیقی اصیل نیست؟

نه. هرگز این یعنی زنده نگاه داشتن آن موسیقی. با توجه به کارایی‌های کامپیوتر، ما زرت کودکانی موسیقی هستیم که به اواخر دوره سانسلی می‌رسد که «نارینه» و «نکیسه» که بی‌تردید پایه‌گذاران موسیقی ایران هستند زندگی می‌کردند. «هفت خسروانی» که از تقسیم‌بندی‌های موسیقی آن زمان است و بی‌شک به دستگاه امروز ما نیست در این زمینه شکل گرفته. در این تاریخ موسیقی یونانی، تقسیم‌بندی‌های از این دست داشته است. همچنین موسیقی «دانسوری» که تقسیم‌بندی موسیقی ایران با تأثیر از آنها انجام گرفته است. به دنبال آن است بود که صدای «لاد» (۲۶۰۰ دستان در موسیقی ساسانی پدید آمد که سنی لجر، به



آن را به امواج کامپیوتری تبدیل می‌کند و بر آن اصلاحات لازم را انجام می‌دهد. ضایعات صدا را از بین می‌برد و ما با کمک اشکالی که بر صفحه مانیتور می‌بینیم، می‌توانیم اصلاحات دلخواه را انجام دهیم. کامپیوتر در حقیقت صدا را به تصویر تبدیل می‌کند مثل یک «سایروسکوپ» طوطی می‌خورد با به شما می‌دهد. می‌تواند «سنتها» را حذف یا اصلاح کند. تکرار یا به هم وصل کند. سرعت بخشد و یا کند کند. بدون آنکه به ساختار اصلی آن کوچکترین لهه‌ای وارد شود. همچنین صداهای اصوات دیگر را از نازار و تولید یا فرکانس با قدرت ۳۰ کیلوهرتز ضبط کند و همسطور قادر است صداهایی که گاه صدای انسان ششمن آنها را نازار و تولید یا فرکانس با قدرت ۲۲ کیلوهرتز قادر به ضبط صدا هستند. کامپیوتر می‌توان صدای یک پرند زخسی را شنید که با بالی شکسته می‌خورد.

موسیقی می‌تواند یکی از ابزارهای پرورشی کودک در سالهای اولیه زندگی است.

پرواز کند. صدای چشمه‌سار و ریختن قطرات باران و حتی صدای شکستن دل. ● با توجه به این پژوه‌ها درباره موسیقی کودک و اینکه چه چیز کودک می‌تواند با موسیقی رابطه برقرار کند کمی صحبت کنید؟

● اولین چیزی که کودک کش می‌کند و واکنش نشان می‌دهد موسیقی است. ضربه‌های ساده و آرامی که به پشت طفل می‌زند تا او آرام کند و آن ریتم‌های ساده که مقدمه کودک حتی قبل از تولد با آن آشنا شده می‌تواند در اوایل زندگی درک کند و واکنش نشان دهد. بنابراین موسیقی می‌تواند یکی از ابزارهای پرورشی کودک در سالهای اولیه زندگی باشد.

● در این باره بیشتر صحبت کنید؟

● اگر دوران کودکی خود را به یاد بیاورید، می‌بینید که در بخش آموزش قبل از دبستان (مه‌کودک و آمادگی) مسائل مختلف با آهنگ و شعر به کودکان می‌آموزند که این روش در ایران و تمام دنیا تجربه شده و نتیجه خوبی هم گرفته شده است. و به این ترتیب اهین موسیقی برای کودک آشکار می‌شود. اولین آموزش به ما ثابت می‌کند که از این زبان رسمی کودک قبل از آموزش جدی، موسیقی است.

● به نظر می‌رسد غیر از ساله‌های که شما مطرح می‌کنید این روش نوعی تدریس موسیقی به طور غیر مستقیم برای کودک است. اگر چه از طریق راه موسیقی، کودک حروف و اعداد را نیز یاد می‌گیرد اما موسیقی به رشد او کمک می‌کند. به عنوان مثال آشنایی با ریتم، باعث می‌شود کودک تعادل و حرکت را بر مبنای منطبق ریاضی یاد بگیرد؟

● کاملاً درست است. اما در مورد تمرین چه طور می‌تواند در سنین پایین با موسیقی آشنا شود. روشهای متعددی در دنیا وجود دارد. اما در تجربه‌های که در مورد تدریس موسیقی به کودکان داشتم به نتایج فزاینده رسیدم که باعث نوشتن کتابی برای دستیار پرورش آموزش موسیقی کودکانی که هنوز حرف و اعداد را نمی‌شناسند شد. یکی از

الته این بحث کارشناسی است و تعاریف من رنگ تجربه شخصی دارد. به طور کلی کودک بیشتر به دنیای فانتزی تمایل دارد و در برخورد با دنیای واقعی روی پرده سینما دچار مشکل می‌شود. در دنیای فانتزی می‌توان اهداف و معنای مختلفی از زندگی و روابط را به کودک القا کرد. وقتی در فیلم روابط گرم و موشی را نشان می‌دهیم کودک به راحتی می‌تواند روابط آنها را درک کند و مفهوم آن را به زندگی واقعی تعمیم دهد که این در نتیجه تجربه‌های فراوانی است که در برخورد با کودکان داشتم در مورد تکنیک و ساختار این نوع فیلم‌ها که سادگی در روایت قصه، در انتخاب رنگ یا استفاده از رنگ‌های ساده و روزمره، کودک را در درک فیلم کمک خواهد کرد. در آخر می‌توانم بگویم آرزوی پیوسته ساختار فیلم‌های کودکان دارم و امیدوارم هر چه زودتر به آن برسیم.

مبانی علمی را در موسیقی شرق بنیان گذارند. در آن هنگام ایرانیان همچون یونانیان - موسیقی را جزئی از علم ریاضی می‌پنداشتند اگر به مباحث موسیقی آنها، پیچیده‌تر از مباحث ریاضیات بود. به این معنا که صورت‌شناسی اندازه‌گیری فواصل نت‌های موسیقی و بحث در شدت و ضعف و ریتم و ترکیب اصوات با علم ریاضی بستگی داشت. و امروز موسیقی ما، چه موسیقی روز نوین و چه موسیقی اصیل نیاز به آشنایی با تازهای تکنولوژی دارد و باید از آن بهره‌گیری تکنیکی که کامپیوتر می‌تواند صدا را چه گرفته شده از طبیعت و چه از تخیل با

ناب‌ترین شکل اجرا کنند. چرا نباید گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی را به آن داد تا نه تنها آن را در خفا خود جاوبانند بلکه بتوانند زوائد و حاشیه‌های آن را نیز به در اندازد. با این دستگاه می‌شود خوش‌های صفحات قدیمی را گرفت و آنها را با کیفیت بسیار عالی